

سرکرده تحریرالشام که رئیس نظام جدید سوریه نیز شده است امروز با ترامپ دیدار می‌کند

الجولانی به دنبال آینده‌ای تحت حمایت واشنگتن



نیک‌پندار | یومحمد الجولانی که تا همین یک سال پیش، آمریکا برای سرش ۱۰میلیون دلار جایزه گذاشته بود، دیروز با ویزای رسمی و قانونی وارد ایالات متحده شد. این سفر که نخستین دیدار رسمی یک‌رهبر سوری از کاخ سفید از زمان استقلال سوریه در ۱۹۴۶ به شمار می‌رود، قرار است امروز با جلسه‌ای در حضور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به اوج برسد. الجولانی که مدت کوتاهی است از فهرست تروریست‌های جهانی آمریکا و تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل خارج شده، امیدوار است این دیدار به لغو کامل تحریم‌های اقتصادی علیه دمشق و پیوستن سوریه به ائتلاف ضدداesh به رهبری واشنگتن منجر شود.

بر پایه گزارش خبرگزاری رسمی سوریه (سانا)، الجولانی در ابتدای ورود به واشنگتن، با تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در امور سوریه دیدار کرد و بحث‌های اولیه بر توافق امنیتی برای مبارزه با بقایای داعش متمرکز بود. باراک در حاشیه کنفرانس «گفت‌وگوی منامه» در بحرین، پیش‌تر اعلام کرده بود: «انتظار داریم سوریه به ائتلاف ما بپیوندد و این سفر فرصتی برای امضای توافق نامه است»، منابع نزدیک به کاخ‌سفید نیز از احتمال استقرار نیروهای آمریکایی در پایگاه هوایی دمشق برای «نظارت بر توافق‌های مرزی» سخن می‌گویند، توافقی که ظاهراً با هدف جلوگیری از تنش‌های احتمالی با اسرائیل (بخوانید) حمایت از اسرائیل در درگیری‌های احتمالی آینده) طراحی شده است.

■ **از تروریست دیروز تا شریک امروز**

این سفر تنها چند ماه پس از سقوط رژیم بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴ و به قدرت رسیدن هیئت تحریرالشام به رهبری الجولانی رخ می‌دهد. تحریرالشام که تا جولای ۲۰۲۵ در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا قرار داشت، اکنون به عنوان «نظام جدید دمشق» به رسمیت شناخته می‌شود؛ تغییری که منتقدان، آن را «بازسازی تصویر» یک رهبر سابق جهادی می‌دانند. الجولانی در سپتامبر گذشته برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک سفر کرد و با ترامپ دیدار کوتاهی داشت، اما این بار، تمرکز بر مسائل اقتصادی است؛ درخواست حمایت مالی برای بازسازی سوریه که اقتصادش پس از بیش از یک دهه جنگ، فلج شده است. وزیر اقتصاد نظام جدید دمشق، محمد نضال الشعار، به‌تازگی به روتریزر گفته: «امیدواریم تا پایان سال، طرح لغو تحریم‌ها به ترامپ برسد». با این حال، پذیرش الجولانی در واشنگتن پرسش‌هایی جدی در مورد معیارهای آمریکا برای مشروعیت‌بخشی به رهبران سابق متهم به ترور یسم مطرح کرده است. سازمان ناظران حقوق بشر سوریه در گزارش تازه اعلام کرد از زمان به قدرت رسیدن تحریرالشام، دست کم ۵۹

تحلیل

مهدی زارع | در طول یکی دوهفته پیش، استانبول میزبان چنددور گفت‌وگو

میان پاکستان و افغانستان بوده است. این میانجی‌گری که با همکاری قطر برگزار شده است، نه صرفاً یک اقدام بشردوستانه، بلکه بخشی از سیاست خارجی دولت اردوغان برای گسترش نفوذ در خاورمیانه و جهان اسلام است. اردوغان که خودراوارث خلافت گسترده عثمانی می‌داند، بناداردبار دیگر عنوان سیادت در جهان اسلام(یا حداقل جهان تسنن) را از آن خود کند. ترکیه از دهه ۱۹۵۰ روابط امنیتی عمیقی با پاکستان داشته واکنون با میانجی‌گری در بحران افغانستان-پاکستان، خودرا به‌عنوان یک «صلح‌ساز بی‌طرف» در جنوب آسیا تثبیت می‌کند. این اقدام سرمایه‌سیاسی ترکیه‌رافزایش می‌دهد.ترکیه‌به‌عنوان عضو ناو، پلی میان غرب و جهان اسلام ایجاد می‌کندو در رقابت باقطر یا ایران،

گزارش

سید احمد موسوی | اقدامات همزمان رژیم اسرائیل و ایالات متحده علیه لبنان شدت گرفته است، به‌طوری‌که این دو بازیگر با تقسیم نقش‌های نظامی و سیاسی، در تلاش اند مقاومت را بی‌سلاح کرده و مردم آسیب‌پذیرترین منطقه را ناتوان کنند. این فرایند بخشی از یک پروژه‌بزرگ‌تر بوده که هدف آن، دفن غزه و مهندسی یک نظم جدید در خاورمیانه است.

در هفته‌های اخیر، حملات هوایی اسرائیل به خاک لبنان، از جمله حمله به شهرداری بنت جبیل، با واکنش‌های شدید دولت لبنان مواجه شد. رئیس‌جمهور، میشل عون از ارتش خواست آماده پاسخ به این تجاوزات باشد و نخست‌وزیر، نجیب میقاتی از جامعه بین‌المللی خواست در برابر این جنایات سکوت نکند. اما همان دولت‌هایی که از «کمک به لبنان» و «حفظ آتش‌بس» سخن می‌گویند، در عمل از طریق سیاست سکوت و انفعال، اهداف تل‌آویو را دنبال می‌کنند. این هم‌راستایی پنهان، نشان دهنده راهبرد مشترک غرب و اسرائیل برای تضعیف محور مقاومت و حفظ امنیت و تسلط سیاسی در منطقه است.

تحولات نظامی و سیاسی نشان می‌دهد بازیگران خارجی، به‌ویژه ایالات متحده، نقش مستقیم و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به بحران لبنان ایفا می‌کنند. سفارت آمریکا در بیروت به‌تازگی اعلام کرد واشنگتن «از تمام ابزارها برای جلوگیری از تهدید حزب‌الله علیه لبنان و منطقه استفاده خواهد کرد».

زندانی در زندان‌های تحت کنترل این گروه بر اثر شکنجه جان باخته‌اند. دفتر حقوق بشر سازمان ملل نیز درباره «افزایش ناپدیدسازی‌های اجباری» و سرکوب مخالفان در مناطق تحت کنترل الجولانی هشدار داده است. یک مقام سابق آمریکایی به فرانس ۲۴ گفته: «الجولانی سال‌ها با القاعده همکاری داشت و جایزه ۱۰میلیون دلاری برای دستگیری‌اش تعیین شده بود. حالا تنها به دلیل سقوط اسد، او شریک استراتژیک ماست؟ این تغییر سیاست، بیشتر به مصلحت‌های ژئوپلیتیکی شبیه است تا عدالت».

■ **سایه اسرائیل بر میز مذاکره؛ صلح یا تسلیم؟**

در این میان، نقش اسرائیل برجسته است. رسانه‌های لبنانی مانند المنار گزارش داده‌اند واشنگتن پیش از این

سفر، با تل آویو برای دستیابی به «توافق امنیتی مرزی» هماهنگ کرده، توافقی که دور پنجم مذاکرات مستقیم سوریه-اسرائیل را پس از دیدار الجولانی با ترامپ، کلید می‌زند.ترامپ در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز، لغو تحریم‌ها را «شانس صلح برای سوریه» خواند، اما منتقدان می‌پرسند آیا این صلح، به معنای تسلیم دمشق به نفوذ اسرائیلی است؟ رئیس هیئت تحریرالشام تاکنون در برابر حملات اخیر اسرائیل به سویدا و دمشق واکنشی جدی نشان نداده و حتی در بیانیه‌ای اعلام کرده: «نمی‌خواهیم با اسرائیل وارد جنگ شویم». این موضع، برای بسیاری از سوری‌ها- از جمله معترضان در سویدا که فریاد می‌زنند «جولانی، تواز ما نیستی»- نشانه‌ای از سازش است. در پست‌های اخیر شبکه‌های اجتماعی، کاربران سوری و عربی، این سفر را «خیانت به خون شهدا» توصیف

کرده‌اند. یکی از کاربران نوشته: «الجولانی هزاران جوان سنی را برای جنگ با غرب فدا کرد، حالا با آمریکایی‌ها بسکتبال بازی می‌کند». این انتقاده‌ها، یادآور تناقض سیاست خارجی آمریکا ست؛ جایی که از یک سو، الجولانی به عنوان رهبر میانه‌رو ستایش می‌شود؛ از سوی دیگر، گزارش‌های حقوق بشری نشان‌دهنده تداوم خشونت تحت حکومت او است. سفر الجولانی می‌تواند نقطه عطفی برای سوریه باشد؛ بازگشتی به مدار بین‌المللی پس از سال‌ها انزوا. اما آیا این بازگشت بر پایه اصلاحات واقعی است یا معامله‌ای که حقوق سوری‌ها را قربانی منافع غربی می‌کند؟ پاسخ، احتمالاً در خروجی دیدار امروز نهفته است، جایی که رئیس‌نظام جدید دمشق نه‌تنها برای تحریم‌ها، بلکه برای آینده‌ای تحت قیمومیت واشنگتن، مذاکره خواهد کرد.

ترکیه و چالش میانجی‌گری میان پاکستان و افغانستان

بدون نتیجه قطعی پایان یافت؛ پاکستان «تضمین‌های مکتوب» می‌خواهد و طالبان آن را «غیرمنطقی» می‌خواند. ترکیه با اصرار بر ادامه مذاکرات (مانند تمدید آتش‌بس)، ریسک شکست دیپلماتیک را می‌پذیرد، اما این تداوم به اعتبار اردوغان به‌عنوان «رهبر صلح» کمک می‌کند. در صورت موفقیت، ترکیه نه تنها امنیت سیاسی و اقتصادی خود را تضمین می‌کند، بلکه الگویی برای میانجی‌گری در مسائل دیگر (مانند غزه یا اوکراین) ارائه می‌دهد. در مجموع، این اصرار بیش از «نیک‌اندیشی»، یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه است: ترکیه با کمترین هزینه (میزبانی مذاکرات)، بیشترین سود (نفوذ، امنیت و اقتصاد) را بدست می‌آورد. در آینده‌ای نه‌چندان دور، نقش ترکیه ممکن است پررنگ‌تر از این هم شود.

عقب‌نمی‌ماند.

علاوه بر این، افغانستان و پاکستان دروازه‌ای به آسیای مرکزی هستند؛ جایی که ترکیه پروژه‌های تجاری مانند کریدور لجستیکی با پاکستان و صادرات کالا به افغانستان را دنبال می‌کند. درگیری مرزی اکتبر ۲۰۲۵ که ده‌ها کشته داد، مرزهای تجاری را بست و صادرات ترکیه را مختل کرد. میانجی‌گری، ثبات را بازی می‌گرداند و فرصت‌هایی مانند بازسازی افغانستان (با مشارکت ترکیه) ایجاد می‌کند. علاوه بر این، ترکیه با حمایت دیپلماتیک و بشردوستانه از طالبان، نفوذ خود را در برابر رقبایی مانند عربستان یا روسیه افزایش می‌دهد؛ یک بازی بلندمدت برای رهبری در «جهان سنی».

اما با وجود این منافع، مذاکرات استانبول دوبار (۲۸ اکتبر و ۸ نوامبر ۲۰۲۵)

تشدید اقدامات مشترک رژیم صهیونی و ایالات متحده علیه لبنان

تقسیم کار واشنگتن و تل آویو در لبنان

لحن این بیانیه بیشتر شبیه اعلان جنگ بود تا یک موضع دیپلماتیک، و آشکار کرد استقلال لبنان کمتر از گذشته مورد احترام است.

■ **هماهنگی واشنگتن و تل آویو؛ جنگی فراتر از عملیات اسرائیلی**

موج اخیر تشدید حملات اسرائیل با هماهنگی کامل واشنگتن انجام شد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد عملیات نظامی اسرائیل دیگر صرفاً اقدام یک دولت منطقه‌ای نیست، بلکه بازتاب سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه است. واشنگتن سلاح‌ها، اطلاعات و پشتیبانی سیاسی فراهم می‌کند و تل آویو آن‌ها را در میدان عملیاتی به کار می‌گیرد. هواپیماهای باربری نظامی آمریکا مهمات هدایت‌شونده دقیق و بمب‌های پیشرفته به اسرائیل تحویل می‌دهند، عملیاتی که امکان بمباران دقیق اهداف حزب‌الله و نقاط استراتژیک لبنان را فراهم می‌کند.

■ **دفن غزه در سایه جنگ‌های جدید**
نتانیاو که با بحران داخلی و اتهام‌های فساد پس از جنگ غزه روبه‌رو است، در تلاش است توجه عمومی را از بن‌بست غزه منحرف کرده و با تشدید حملات در لبنان و ایجاد یک چشم‌انداز نظامی جدید، افکار عمومی را به سمت مسائل دیگر هدایت کند. در عین حال، تأکید رسانه‌های غربی بر بحران سودان نیز تلاشی است برای پوشاندن نقض‌های آتش‌بس غزه و مسدود کردن

کمک‌های انسانی. از طریق این تاکتیک رسانه‌ای، غرب تلاش دارد انرژی بین‌المللی اسرائیل را بشکند و تصویری جعلی از یک خاورمیانه بحران‌زده چندانگانه ارائه دهد، به‌طوری‌که اشغالگری اسرائیل پشت‌پرده دود جنگ‌های جاری پنهان بماند. هدف اصلی، تعبیر فشار عمومی از فلسطین به سایر مناطق و احیای موقتی مشروعیت از دست رفته صهیونیسم سیاسی است.

■ **مهندسی لبنان؛ از فشار نظامی تا تأثیرگذاری انتخاباتی**

در هماهنگی کامل با ایالات متحده، رژیم اسرائیل در تلاش است با حفظ بی‌ثباتی در لبنان، دو هدف عمده را دنبال کند: نخست، درگیر کردن دولت و ارتش لبنان با حزب‌الله؛ دوم، جلوگیری از بازسازی و تثبیت داخلی لبنان. این فشارهای چندلایه، زمینه‌ساز دخالت در انتخابات پارلمانی بهار آینده است، با هدف حذف مقاومت از معادله سیاسی و هدایت ساختار حکومتی به سمت مصالحه. دشمنان لبنان در تلاش‌اند با ایجاد بحران‌های اقتصادی و امنیتی، نارضایتی عمومی را از مقاومت افزایش دهند تا در نهایت بیروت به مدلی از عراق پس از انتخابات تبدیل شود؛ کشوری که توسط مهندسی سیاسی وفشارهای خارجی شکل گرفته است.

■ **تقسیم کار برای تسلیم منطقه**

مدل فشار مشترک که توسط ایالات متحده و اسرائیل به کار گرفته شده، مبتنی بر تقسیم کار است. تل آویو

رصد

جنگ ترکیبی؛ راهبرد جدید علیه یمن

موسوی | در حالی که نگاه جهانی بر جنگ غزه متمرکز است، یمن بار دیگر به صحنه‌ای تعیین‌کننده در رقابت‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه بدل شده است. آتش‌بسی که قرار بود پایانی بر سال‌ها خون‌ریزی و محاصره باشد، اکنون در آستانه فروپاشی است. میانجی‌گری عمان برای احیای مذاکرات ادامه دارد، اما نشانه‌های میدانی از تشدید درگیری حکایت دارند. از اواسط اکتبر، تحرکات سیاسی و نظامی در چندین استان یمن افزایش یافته و دوگانگی میان «نه جنگ و نه صلح» را بیش از پیش عیان کرده است. دولت صنعا، تحت رهبری جنبش انصارالله، هشدار داده هرگونه حمله تازه با پاسخ مستقیم روبه‌رو خواهد شد. بازدارندگی، به گفته مقام‌های این گروه، به بخش جدایی‌ناپذیر استراتژی آن تبدیل شده است.

■ **مسیر دوگانه سعودی**

در سوی دیگر، عربستان سعودی همچنان دو مسیر متناقض را در پیش گرفته است؛ از یک سو حفظ فشار نظامی و از سوی دیگر تلاش برای گفت‌وگو از طریق میانجی‌گری عمان. ریاض می‌کوشد نفوذ خود را در میدان حفظ کرده و همزمان امکان توافقی فراگیرتر را بسنجد، اما تردیدها در مورد میزان تعهد این کشور به راه‌حل سیاسی همچنان باقی است. در این میان، ایالات متحده و اسرائیل نیز بار دیگر به صحنه بازگشته‌اند. واشنگتن با احیای هماهنگی با ائتلاف سعودی، در پی آن است مانع توافقی شود که به سود صنعا تمام‌شود. تل‌آویو نیز پس از جنگ غزه، نگاه خود را متوجه جبهه دریای سرخ کرده و انصارالله را «تهدیدی جدی» می‌داند. اسرائیل از متحدان عرب خود خواسته برای مهار یمن وارد عمل شوند، در حالی که گزارش‌های نظامی غربی نشان می‌دهد کنترل بر مسیرهای کشتیرانی دریای سرخ به شدت تضعیف شده است.

■ **راهبرد جدید واشنگتن و تل آویو؛ «جنگ ترکیبی»**

پس از آغاز جنگ غزه، آمریکا و اسرائیل راهبرد «جنگ ترکیبی» را در قبال یمن در پیش گرفته‌اند؛ این استراتژی شامل استفاده از نیروهای نیابتی، عملیات اطلاعاتی، جنگ روانی و حملات محدود هوایی است. هدف، حفظ فشار بر عربستان از یک سو و مهار انصارالله از سوی دیگر است، بی‌آنکه دخالت مستقیم زمینی صورت گیرد. مقام‌های صنعا اعلام کرده‌اند تحرکات نظامی آمریکا و اسرائیل در اطراف دریای سرخ و خلیج عدن را رصد کرده‌اند. هشدار اخیر انصارالله درباره هدف قرار دادن تأسیسات نفتی سعودی، در واکنش به همین تحرکات صادر شده است. به باور تحلیلگران، واشنگتن تلاش دارد از خاک عربستان و امارات به‌عنوان اهرم فشار بر صنعا استفاده کند تا از هرگونه توافقی که ممکن است موازنه قوا را به ضرر اسرائیل تغییر دهد، جلوگیری کند.

■ **گسترش حضور نظامی در جنوب یمن**

در ماه‌های اخیر، نشانه‌های فزاینده‌ای از حضور مستقیم نیروهای آمریکایی و اماراتی در جنوب یمن دیده می‌شود. این نیروها با همکاری عربستان در حال سازماندهی دوباره واحدهای شورای انتقالی جنوب هستند. در استان‌های لُحج، شبوه و حضرموت، افسران آمریکایی و اماراتی از اردوگاه‌ها و فرودگاه‌ها بازدید و تجهیزات و نیروها را ارزیابی کرده‌اند. به گفته منابع محلی، حتی شرکت‌های نظامی خصوصی و پیمانکاران خارجی نیز در این روند مشارکت دارند.

در همین حال، گزارش‌هایی از فعالیت گسترده نیروهای سلفی موسوم به «سیر وطن» منتشر شده که از المهره تا ابین و حضرموت مستقرند. تحلیلگران می‌گویند هدف از تقویت این نیروها، ایجاد توازن مذهبی و تبدیل تدریجی درگیری به جنگی فرقه‌ای است، روندی که خطر درگیری داخلی را افزایش می‌دهد.

در استان المهره، مخالفت‌های مردمی علیه حضور نیروهای خارجی رو به گسترش است. کمیته تحسن‌های مسالمت‌آمیز اعلام کرده فرودگاه الغیضه به پایگاه مشترک آمریکا و بریتانیا تبدیل شده و فعالیت غیرنظامی آن متوقف مانده است.

■ **رقابت منطقه‌ای و چشم‌انداز ناپایدار**

تحرکات اخیر در یمن نشان می‌دهد این کشور به میدان بازی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. به نظر می‌رسد سه هدف در پس این تحولات نهفته است؛ نخست، انتقال فشار از جبهه غزه به یمن برای جبران شکست‌های سیاسی و نظامی اسرائیل؛ دوم، آماده‌سازی برای گزیننه نظامی در صورت ناکامی گفت‌وگوها و سوم، بازسازی نیروهای همپیمان ائتلاف برای ایجاد فرماندهی واحدی که زیر نظر واشنگتن عمل کرده و در مواقع لازم، بحران داخلی را با رنگ‌بویی فرقه‌ای شعله‌ور کند.

در این میان، آمریکا در هماهنگی با امارات و اسرائیل در پی ایجاد شبکه‌ای زمینی در جنوب یمن است تا کنترل تنگه باب‌المندب را که بیش از ۱۲ درصد تجارت جهانی از آن عبور می‌کند، تضمین کند. همزمان، استیون فاکین، سفیر آمریکا در دولت عدن، مأمو ریت یافته «مرکز هماهنگی نظامی- غیرنظامی» را رهبری کند که هدف آن پیوند دادن تحولات یمن با پرونده غزه است.

گزارش‌هایی نیز از انتقال نیروهای آموزش دیده در جزیره سقطری به جبهه‌های سودان و حتی غزه منتشر شده است؛ نشانه‌ای از پیوند فزاینده میان میدان‌های درگیری خاورمیانه تحت مدیریت امارات و آمریکا.

در مجموع، چشم‌انداز پیش‌روی یمن ناپایدارتر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. در صورت شکست مذاکرات، کشور ممکن است بار دیگر به میدان جنگی تمام‌عیار بدل شود؛ جنگی که هدف آن نه صرفاً تسلط بر قدرت در یمن، بلکه بازترسیم نقشه نفوذ در خاورمیانه خواهد بود.